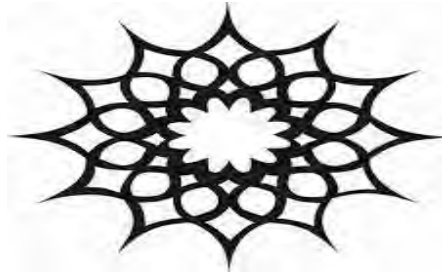


بنام خداوند جان و



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده علوم انسانی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش ایران اسلامی

بررسی و تحلیل ساختار سیاسی ایران دوره قاجار (روابط جامعه و حکومت) بر اساس
روایت پردازی های افضل الملک کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی

استاد راهنما
دکتر عبدالرحمن حسنی فر

استاد مشاور
دکتر علی رضا ملائی توانی

پژوهشگر
مهدی کچمی ملائی

شهریور ۱۳۹۸

قدردانی و سپاسگزاری

تدوین این پژوهش، مرهون بهره‌گیری از دانش برخی استادان و همه سرورانی است که هر کدام به نحوی ایجاب رادر انجام این امریاری رسانده‌اند. پیش از هر چیز مراتب سپاس و قدردانی خود را به استاد گرامی، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی فر که راهنمایی این پژوهش را متقبل شدند، تقدیم می‌کنم. افزون بر این از استاد دانشمند خود، جناب آقای دکتر علی رضاملانی توانی از اینکه مشاوری این پژوهش را پذیرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

تقدیم به

پدر و مادر عزیز و گران قدرم که گل و برده‌باری ایشان
نوشتن این پژوهش را آسان کرد.

چکیده

از آنجایی که ساخت سیاسی حکومت در دوره قاجاریه پادشاهی با قدرت نامحدود است؛ بنابراین ساختار موجود
فعالیت‌های فرهنگی و نحوه مناسبات جامعه و حکومت را بیش از یک سده تحت تأثیر مستقیم قرار می‌داد. در همین

ارتباط نوشته حاضر، به بررسی مناسبات جامعه و حکومت در ایران دوره قاجار و با تکیه بر روایت پردازی‌های افضل - الملک کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی می‌پردازد. از آنجایی که این دو مورخ از لحاظ اجتماعی، جایگاه متفاوتی دارند؛ بنابراین روایت‌های متفاوتی نیز از روابط جامعه و حکومت ارائه داده‌اند. به طوری که افضل الملک کرمانی واقعیت‌های تاریخی را آن‌طور که ماهیت تاریخ‌نگاری رسمی ایجاب می‌کند، روایت کرده است. روایت‌های وی با پشتیبانی‌های مادی، معنوی و سیاسی صورت پذیرفته است. افضل الملک می‌کوشد، اقدامات حکومت را فراتر از آنچه واقعیت داشته است، نمودار سازد یا در واقع با توجیه ناکارآمدی، دفاع از مشروعیت و حقانیت زمامداران قاجاریه، تاریخ را روایت کند. وی میان کلمه «مردم» و «رعیت» تفاوت قائل می‌شود، و مردم را گروه خاصی از درباریان و کارگزاران درجه بالای حکومتی هستند و منظورش از رعیت همه جامعه به جزء طبقات ممتاز، مستمری‌بگیر و متمول است. برخلاف بازنمایی که وی از مناسبات جامعه و حکومت ارائه کرده است، ناظم الاسلام کرمانی جایگاه مردم را در حکومت و سیاست از منظر اندیشه سیاسی تشیع، مورد بحث قرار داده است. ضمن اینکه رابطه جامعه و حکومت در اندیشه وی به صورت مستقل و منسجم مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ اما از مجموعه مباحثی که ایشان در مورد هر یک از مناسبات مردم و حکومت دارد، می‌توان این رابطه را دریافت. توجه وی به انسان به عنوان موجودی ارزشمند و با کرامت و نگرش خاصی که او به آن دارد، این رویکرد وی موجب شده است که انسان، در قالب مردم در رابطه خود با قدرت سیاسی و حکومت، از جایگاه خاصی برخوردار گردد. به طور کلی محورهای اصلی پژوهش حاضر از این قرارند: بررسی ساختار سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه، زیست نامه و سیر تکوین فکری افضل الملک کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی و نحوه روایت مناسبات جامعه و حکومت در دوره قاجاریه از منظر دو مورخ مذکور و در آخر به دستاوردهای پژوهش پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جامعه، مناسبات، حکومت، قاجاریه، افضل الملک کرمانی، ناظم الاسلام کرمانی.

فهرست مندرجات

فصل اول: کلیات پژوهش	۱
۱ - ۱. بیان مسئله	۲
۱ - ۲. سؤال‌های پژوهش	۳
۱ - ۳. فرضیه‌های پژوهش	۳
۱ - ۴. تعریف مفاهیم	۴
۱ - ۵. محدوده تحقیق	۸
۱ - ۶. چرایی پژوهش درباره این موضوع	۸
۱ - ۷. اهداف پژوهش	۹
۱ - ۸. روش و رویکرد پژوهش	۹
۱ - ۹. سازمان‌دهی پژوهش	۹
۱ - ۱۰. پیشینه پژوهش	۱۰
فصل دوم: بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در عهد قاجار	۱۴
۲ - ۱. مقدمه	۱۵
۲ - ۲. ساختار حکومت قاجاریه به لحاظ سیاسی	۱۶
۲ - ۲ - ۱. شاه	۱۶
۲ - ۲ - ۲. شاهزادگان	۱۷
۲ - ۲ - ۳. دیوانسالاران	۱۹
۲ - ۲ - ۴. رؤسای ایلات	۲۰
۲ - ۲ - ۵. روحانیون	۲۱
۲ - ۲ - ۶. دهقانان	۲۳
۲ - ۳. ساختار شکنی در ساختارهای سیاسی سستی	۲۴
۲ - ۳ - ۱. وزارت امور خارجه	۲۷
۲ - ۳ - ۲. وزارت مالیه	۲۷
۲ - ۳ - ۳. وزارت عدلیه	۲۹

۳۲	۲- ۳- ۴. وزارت جنگ
۳۶	فصل سوم: زیست‌نامه و سیر تکوین فکری افضل‌الملک کرمانی
۳۷	۳- ۱. مقدمه
۳۹	۳- ۲. نگاه کلی به تاریخ‌نگاری در ایرانِ دوره قاجار
۴۳	۳- ۳. زیست‌نامه، تکوین فکری و فعالیت‌های افضل‌الملک کرمانی
۴۷	۳- ۳- ۱. فهرست سمت‌ها و عناوین افضل‌الملک در طول زیست خود
۴۸	۳- ۳- ۲. آراء و خلیقات افضل‌الملک
۵۰	۳- ۳- ۳. افضل‌الملک: تاریخ و تاریخ‌نگاری
۵۵	۳- ۳- ۴. شیوه تاریخ‌نویسی
۵۷	۳- ۳- ۵. بررسی آثار افضل‌الملک
۵۷	۳- ۳- ۵- ۱. تألیفات
۵۹	۳- ۳- ۵- ۲. سفرنامه و خاطرات
۶۳	فصل چهارم: زیست‌نامه و سیر تکوین فکری ناظم‌الاسلام کرمانی
۶۴	۴- ۱. مقدمه
۶۴	۴- ۲. نگاهی کلی به زیست، تحصیلات و فعالیت‌های ناظم‌الاسلام کرمانی از (تولد تا مرگ)
۶۷	۴- ۳. ناظم‌الاسلام و مشروطه
۶۸	۴- ۴. بررسی آثار ناظم‌الاسلام کرمانی
۷۰	۴- ۴- ۱. اهمیت، مزایا و جایگاه تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام و تاریخ‌بیداری
۷۱	۴- ۴- ۲. معایب و اشکالات تاریخ‌بیداری و تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام
۷۳	۴- ۵. سبک تاریخ‌نویسی
۷۵	۴- ۶. ناظم‌الاسلام و دیگران

فصل پنجم: روایت افضل الملک کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی از روابط و مناسبات جامعه و حکومت بر اساس محتوای دو کتاب افضل التواریخ و تاریخ بیداری ایرانیان ۷۸

۵ - ۱. مقدمه ۷۹

۵ - ۲. مردم از منظر حکام ۸۰

۵ - ۳. منابع اعمال قدرت ۸۶

۵ - ۴. کارکردهای حکومت ۹۳

۵ - ۴ - ۱. برقراری نظم و امنیت ۹۷

۵ - ۴ - ۲. ایجاد رفاه و آسایش ۱۰۲

۵ - ۵. سازوکارهای نفوذ حکومت در جامعه ۱۰۶

۵ - ۵ - ۱. تبلیغ، تلقین و القاء ۱۰۷

۵ - ۵ - ۲. حمایت‌های مالی و معنوی ۱۱۲

۵ - ۵ - ۳. حکومت و فعالیت‌های فرهنگی ۱۱۴

فصل ششم: سازوکارهای جامعه در قبال سیاست‌های حکومت ۱۲۲

۶ - ۱. مقدمه ۱۲۳

۶ - ۲. واگرایی و اعتراض ۱۲۴

۶ - ۳. مقاومت، ایستادگی و همگرایی ۱۳۱

۶ - ۴. مناسبات جامعه و حکومت در بحران‌های داخلی ۱۴۱

نتیجه‌گیری ۱۴۵

منابع و مآخذ ۱۴۷

فصل اول: کلیات پژوهش

۱ - ۱. بیان مسئله

جامعه و حکومت به عنوان دو پدیده مرتبط که چارچوب قدرت در هر سرزمینی متأثر از نحوه ارتباط این دو باهم است. حکومت به عنوان یکی از اشکال نظام اجتماعی است که از سیر تکاملی جامعه و تحولات آن به یک نهاد سیاسی تبدیل شده است و از منظر ساختاری در اعصار گذشته بیشتر به شکل پادشاهی و دارای همان ماهیت و ویژگی‌های خاص خود است. غایت پژوهش حاضر تحلیل و بررسی روابط و مناسبات جامعه ایران با حکومت قاجاریه براساس منابع رسمی و غیر رسمی است تا از این طریق تبیین واقع‌بینانه‌تری در مورد گذشته این مردم؛ و کمک به شیوه‌های مناسب‌تری در برخورد با آن‌ها در آینده دست‌یابد. تا به امروز بررسی‌های اندکی در ارتباط با روابط و مناسبات حکومت و جامعه ایرانی از لحاظ تاریخی صورت گرفته است، همان مقدار اندک هم بر پایه نظریاتی است که برای مطالعه جوامع اروپایی تدوین شده است و این موضوع خود منجر به برخی کج‌فهمی‌ها شده است. علت ساده بروز این امر، ویژگی‌های خاص جامعه ایران است که از بسیاری جهات به کلی متفاوت است. از جمله این تفاوت فرهنگ - هنجارها، آداب و رسوم، سرشت قدرت و حاکمیت، مشروعیت، قانون، قشربندی، جانشینی و حتی جغرافیا، می‌توان اشاره کرد. پرداختن به این پژوهش بر پایه روایت‌های تاریخ‌نگاری رسمی و غیررسمی درباره مناسبات و روابط جامعه با حکومت صورت گیرد؛ و تفسیری جدید از تاریخ روابط جامعه و حکومت در ایران که بیشتر بر شواهد عینی مورخان بوده است، ارائه شود. در این ارتباط پرسش‌هایی نیز مطرح شده است.

بنابراین پژوهش حاضر بر پایه روایت‌های افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام کرمانی برای بررسی نحوه مناسبات جامعه و حکومت در دوره قاجاریه می‌باشد. نخستین افرادی که این موضوع برای آنها به عنوان مسئله مطرح شد، می‌توان به محمدعلی کاتوزیان (۱۳۸۹) و یرواند آبراهامیان (۱۳۹۴) اشاره کرد؛ اما نظریه‌پردازانی که در حقیقت پژوهشگران ایرانی نیز تحت تأثیر اندیشه‌های آن‌ها بوده‌اند، همچون ارسطو، افلاطون (۱۳۷۴)، هابز (۱۳۸۰)، جان لاک (۱۳۹۵)، ژان بُدن (۱۳۹۶)، روسو (۱۳۴۱) و دیگر نظریه‌ها که به نحوه مناسبات جامعه و حکومت مطابق با پیشینه تاریخی و تجربه اروپا را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ البته هستند نظریه‌پردازان اروپایی همچون ویتفوگل (۱۳۹۱) که درباره تجربه تاریخی نحوه مناسبات حکومت و جامعه در جوامع شرقی همچون ایران نیز پرداخته‌اند؛ چرا که تحلیل گران اروپایی رویدادهای ایران را با برخی رویدادهای مشابه در اروپا منطبق دانسته‌اند و تحلیلگران در ایران نیز به جهت اینکه نظریه‌ای از خود نداشته‌اند، بررسی‌های

خود را بر مبنای نظریه‌های آن‌ها صورت داده‌اند؛ اما پژوهش حاضر می‌کوشد این مسئله را نه از منظر نظریه‌ای خاص؛ بلکه از منظر منابع تاریخی این دوره به صورت موردی (افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام کرمانی) بررسی کند. و طرح این پرسش که دو مورخ مذکور چگونه مناسبات حکومت و جامعه را روایت کرده‌اند؟ و این روایت‌ها چه همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی با یکدیگر دارند؟ پاسخ دهد.

۱ - ۲ - سؤال‌های پژوهش

۱ - ۲ - ۱. سؤال اصلی

افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام کرمانی چگونه مناسبات جامعه و حکومت را روایت کرده‌اند؟

۱ - ۲ - ۲. سؤالات فرعی:

در فضائی که افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام می‌زیسته‌اند، وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور چگونه بوده است؟

زیست‌نامه و سیر تکوین فکری افضل‌الملک کرمانی چه بوده است؟

زیست‌نامه و سیر تکوین فکری ناظم‌الاسلام کرمانی چه بوده است؟

روایت افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام کرمانی از سازوکارهای جامعه در قبال سیاست‌های حکومت چگونه بوده است؟

۱ - ۳. تعریف مفاهیم

جامعه: جامعه واژه‌ای است عربی که در گذشته صرفاً کاربردی لغوی داشته، به معنای اصطلاحی و رایج آن ارتباطی ندارد. در قرآن نیز واژه جامعه و هم‌خانواده‌های آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است. در فرهنگ فارسی عمید به صورت (اسم فاعل) عربی: جامعه، مؤنث، [جمع: جوامع] برابر فارسی آن، انجمن، توداک، هازه، چبیره، همبود، همبودگاه و هم‌زیستگاه می‌باشد. واژه‌های لاتین همچون “community” “society” “public” کاربرد دارد.

مفهوم جامعه در میان دانشمندان اجتماعی از پر ابهام‌ترین و کلی‌ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند، «ملت»، «امت» و «اجتماع» به کار رفته است. پژوهشگران هر کدام از نظری متفاوت به این مفهوم پرداخته‌اند. جامعه در فرهنگ فارسی معین، این چنین تعریف شده است: «گروه مردم یک شهر، کشور جهان یا صنفی از مردم مانند جامعه بشری، سیاه‌پوستان، هنری و غیره؛ جامعه‌ای که بر بنای خواست

آزادانه و رعایت حقوق بشر و قانون‌مندانه اداره می‌شود». جامعه در این معنا پدیده‌ای بود که در عصر مدرن و برای اولین بار در اروپای غربی ساخته شد، اما روند تحولات جریان اصلی جامعه‌شناسی به نحوی پیش می‌رفت که به نظر می‌رسید بسیاری از جامعه‌شناسان جامعه را چیزی طبیعی، ازلی و ابدی می‌انگارند. آنتونی گیدنز جامعه را در تعریفی بسیار ساده، دسته‌ای از مردم که به صورت تعاون زندگی می‌کنند، تعریف کرده است. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴). «آنکه ویلفر دوپارتو» جامعه‌شناس ایتالیایی، جامعه را: «جمعی از ذرات انسانی که در پرتو ارتباط مشترک به سر می‌برند.» تعریف می‌کند (همان، ۲۵۳۵: ۳۰). دورکم در کوتاه‌ترین تعریف، می‌گوید جامعه یک رویداد انسانی است (دورکم، ۱۳۹۱: ۱۶). حسین بشیریه جامعه را «حوزه‌ای از روابط اجتماعی فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است. جامعه مدنی عرصه قدرت اجتماعی است در صورتی که دولت عرصه قدرت سیاسی و آمرانه است.» (بشیریه، ۱۳۹۴: ۵۶۷).

مناسبات: در لغت‌نامه دهخدا به صورت، [مُسْ] [عِ] جِ مناسبه، آمده است. فرهنگ فارسی معین به شکل (رَبِ) [عِ] [اِ] جِ رابطه؛ معادل کلماتی همچون، روابط، پیوستگی، ارتباطات، وابستگی‌ها و پیوندها، همبستگی، مناسبات مشترک داشتن، وابسته به هم بودن، می‌باشد. معادل لاتینی آن به صورت terms استفاده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت بر چگونگی تعامل دولت یا هر نوع نهادی بر شاخه‌ها، کاربران و زیرمجموعه‌های خود تمرکز دارد. روابط و مناسبات حکومت به شدت به برقراری ارتباط در مورد مسائل نظارتی یک‌به‌یک کارگزاران خود متکی است. در حقیقت روابط دولتی و امور عمومی نوع روابط عمومی است که با چگونگی تعامل دولت با مردم تنظیم‌کننده‌های دولتی و سلاح‌های قانونی و نظارتی دولت مواجه می‌شود. در این پژوهش هرگاه از واژه فوق بهره می‌بریم، هدف نحوه تعامل حکومت و مردم در تحولات اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و منابع مادی و معنوی است.

حکومت: واژه حکومت به معنای «فرمان راندن» از ریشه لاتینی “Government”، به معنای «راندن» و «راننده» مشتق شده است. «کوئنتین اسکیر» از لحاظ زبانی مفهوم دولت را واژه‌هایی چون “etat”، “stato”، “staat” و “state” بررسی کرده است. وی معتقد است برای اولین بار «یوستینیانوس» در کتاب مجموعه قوانین از عنوان “De statu hominum” استفاده کرده است (اسکیر و همکاران، ۱۳۸۱: ۳).

در بین متفکرین و پژوهشگران حوزه سیاسی در باب تعریف حکومت اتفاق نظر جامعی وجود ندارد. حکومت ازجمله پدیده‌هایی است که به‌مرورزمان در مفهوم و ماهیت آن دچار تحوّل شده است و نظریه‌پردازی‌های مختلفی درباره آن شکل گرفته است. غالب اندیشمندان پیشامدرن تمایزی میان مفهوم حکومت و دولت قائل

نشده‌اند. "State" معادل فارسی «دولت سرزمینی» است. این مفهوم در ادبیات سیاسی غرب دارای چهار عنصر بنیادین سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت است (افضلی، ۱۳۹۵: ۲۲). مفهوم دولت "state" تا سده شانزدهم میلادی رواج سیاسی نیافته بود. نخستین کاربرد آن در بحث علمی نیکلو ماکیاولی نسبت داده می‌شود. برای یونانی‌ها این مفهوم شناخته شده نبود. آن‌ها به جای آن، «پولیس» را به کار می‌بردند که می‌توان آن را «دولت - شهر» نامید. در دولت‌شهرها کاملاً نزدیک و کوچک یونان باستان به بهره‌مندی از حقوق و اجتماع تأکید می‌شد و سلطه و اطاعت مورد توجه نبود؛ و گاه آن را «اجتماع شهری» نامیده‌اند تا دولت.

ماکیاولی دولت را: «قومی نیک‌بخت است که مردی خردمند چنان قوانین پایداری برای آن وضع کند که مردمان بتوانند زمانی دراز در زیر لوای آن‌ها زندگی کنند.» (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۴۲). «توماس هابز» در تعریف روشن‌تری از دولت می‌گوید: «شخصی که جمع کثیری از آدمیان را به موجب عهد و پیمان با یکدیگر، خودشان را به مرجع اعتبار و جواز اعمال او ساخته‌اند تا اینکه او بتواند تمامی قوا و امکانات همه آن‌ها را چنانچه خود مقتضی می‌بیند، برای حفظ آرامش و امنیت و حراست عمومی به کار ببرد.» (هابز، ۱۳۸۰: ۱۴۴). فارابی یکی از اندیشمندان بزرگ ایرانی در تعریف دولت می‌نویسد: «دولت، عالی‌ترین شکل اجتماعی و عبارت از اجتماع انسان‌ها در سرزمین معینی است که حکومت سامان یافته دارند که بر آن‌ها اعمال حاکمیت می‌کند و همه آن‌ها برای وصول به سعادت باهم تعاون دارند.» (فارابی، ۱۳۸۲: ۴۰).

«کارل مارکس» دولت را به مثابه‌ی «هیأت انگلی» و حشتمانی می‌داند که مانند یک زائده بر تمام جامعه سایه افکنده و تمام منافذ را مسدود می‌کند. افزون بر این، آن را پس‌مانده عناصر دینی و پس‌افتاده ماوراء طبعی جامعه و ماریوایی می‌داند که کارگزاران آن مردم را استثمار می‌کنند (بدیع، بیرن بوم، ۱۳۹۲: ۲۶). مارکس با وجود اینکه حکومت را به مثابه‌ی انگلی می‌داند که بر مردم سایه افکنده و آن‌ها را استثمار می‌کند، ولی با این وجود به کلی بودن آن را انکار نمی‌کند و «دیکتاتوری زحمتکشان» را بهترین نوع حکومت می‌داند (راش، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

۱ - ۴. محدوده تحقیق

این پژوهش در محدوده جغرافیایی ایران و درباره حکومت قاجاریه صورت می‌گیرد. قلمرو موضوعی این پژوهش بررسی مناسبات حکومت و جامعه و حکومت و بر اساس مطالعه موردی روایت‌های افضل‌الملک کرمانی و ناظم‌الاسلام کرمانی با تأکید بر دو کتاب «افضل التواریخ» و «تاریخ بیداری ایرانیان» صورت خواهد پذیرفت. امید می‌رود این تحقیق سرآغاز پژوهش‌هایی با پاسخ علمی تر و تحلیل مناسب‌تری در آینده باشد.

۱ - ۵. چرایی پژوهش درباره این موضوع

مناسبات و تعاملات جامعه و حکومت و حد و حدود آنها، یکی از مهم‌ترین مباحث جوامع غربی بوده و هست. در همین ارتباط این مسئله یکی از دغدغه‌های ذهنی نگارنده نیز بوده است. با توجه به عرف و تجربه‌های زیست کشورهای غربی، یعنی گذر جوامع اروپائی از حکومت‌های خودکامه به سمت حکومت‌های مردم‌سالار، دقیقاً همین مسئله بررسی نحوه مناسبات جامعه و حکومت و حدود آنها است؛ و از آنجایی که حیات سیاسی هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن است؛ در حقیقت پویایی روابط حکومت و جامعه، ماحصل غیرفعال بودن شکاف‌های اجتماعی در آن سرزمین است. از این رو مباحث نظری گوناگونی پیرامون این دو حوزه برای تحلیل و شناخت نحوه تعاملات و مناسبات و رفتار سیاسی حکومت شکل گرفته است. ضمن توجه به این مسئله که غالب الگوهای تئوری صورت گرفته در ارتباط با این مسئله، با محوریت تجربه تاریخی کشورهای اروپایی است و اگر پژوهشگران داخلی در این حوزه مطالبی را منتشر کرده‌اند در قالب و چارچوب نظریات اندیشمندان غربی صورت گرفته است. بی‌شک این جریان کمتر می‌تواند پیچیدگی‌های جامعه ایرانی را برای گذر از این شرایط، توضیح دهد.

نهایتاً نگارنده بر این باور است برای اینکه تغییری در مناسبات جامعه و حکومت صورت گیرد در وهله اول بایستی ریشه‌های تاریخی این مسئله واکاوی و بررسی شود؛ چراکه تا زمانی این مسئله به صورت بنیادین پژوهش نشود، تغییری صورت نخواهد گرفت. مسلماً حکومت بایستی در قبال قدرت و امکاناتی که مردم به آن به تفویض کرده‌اند، کارکردهایی را که از او انتظار دارند را جامعه عمل بپوشاند. چراکه در صورت تخطی از کار ویژه‌های خود، مردم حق دارند که در جهت برکناری آن اقدام کنند.

۱ - ۶. اهداف پژوهش

از آنجایی که افراد یک جامعه بخشی از یک کل را تشکیل می‌دهند و حق رأی دارند و در حقیقت در یک هیئت حاکمه نقش دارند، بایستی در سایه شناخت از کارکردهای حکومت نسبت به جامعه و همین‌طور بالعکس وظایفی که همه افراد یک جامعه بایستی در قبال کارکردهای حکومت انجام دهند، آشنا شوند. از سویی دیگر به دنبال پاسخی به سؤالات این پژوهش که دغدغه انتخاب این موضوع بوده است، داده شود؛ و دیگر اینکه به

دلیل خلأ پژوهشی که در ارتباط با مسئله مناسبات جامعه و حکومت در دوره قاجار وجود دارد، سعی خواهد شد در حد توان، به آن پرداخته شود.

۱ - ۲. روش و رویکرد پژوهش

با توجه به موضوع این پژوهش، رویکرد نگارنده تاریخی - جامعه‌شناسی سیاسی به مسئله بخواهد بود؛ چرا که می‌توان با بهره‌گیری از این علوم درک بهتری از موضوع داشت. بنابراین روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ چرا که این روش از متداول‌ترین روش‌های پژوهش است.

۱ - ۸. سازمان‌دهی پژوهش

این پژوهش در شش فصل تنظیم و تدوین گردیده است:

فصل نخست، کلیاتی از پژوهش به صورت تفصیلی ارائه خواهد شد.

فصل دوم، باهدف دستیابی درک بهتری از نحوه مناسبات حکومت - جامعه، ابتدا به ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی ایران دوره قاجاریه پرداخته می‌شود.

فصل سوم و چهارم، از آنجایی مبنای بررسی مناسبات جامعه و حکومت بر اساس روایت‌های دو مورخ مهم این یعنی افضل‌الملک تحت عنوان یک تاریخ‌نگار رسمی و ناظم‌الاسلام کرمانی به‌عنوان یک مورخ آزاد و توده‌گرا هستند پس ضروری است، شناختی از سیر تکوین فکری، خلق‌و‌خو و نحوه تاریخ‌نگاری آن‌ها دست داده شود.

فصل پنجم، در این فصل به نحوه مناسبات حکومت و جامعه، نوع نگاهی که حکام این دوره به رعیت‌های خود می‌نگریسته‌اند و منابع اعمال قدرت و چارچوب و یا ضوابطی که مناسبات حکومت با جامعه را تعیین می‌کرده است و کارکردهای حکومت در قبال مردم، سازوکارهای حکومت در جهت نفوذ و سیطره هرچه بیشتر بر جامعه اعمال می‌کرده است، پرداخته می‌شود.

فصل ششم، این بخش در حقیقت ادامه همان فصل پیشین است. در این فصل به نحوه واکنش‌های جامعه در قبال سیاست‌ها و کارکردهای آن، به‌ویژه در بحران‌های داخلی پرداخته خواهد شد. در نهایت ارزیابی و نتیجه‌گیری نگارنده را از این مباحث ارائه خواهیم شد.

۱-۹. پیشینه پژوهش

۱-۹-۱. مقالات

تاکنون پژوهشی نمونه پژوهش حاضر صورت نگرفته است؛ اما یکسری پژوهش‌ها به صورت غیر مستقیم در قالب مقالات اشاره‌ای به آن داشته‌اند؛ البته هیچ کدام از این پژوهش‌ها برای بررسی روابط جامعه و حکومت در دوره قاجاریه بر اساس روایت‌های افضل الملک کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی را که مبنای این پژوهش است، صورت نگرفته‌اند. در همین ارتباط کوشش نگارنده بر این است که پس از بررسی‌های لازم توضیحات مختصری در باب مطالعات شکل گرفته صورت دهد.

مقاله «مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی» اثر غلام حیدر ابراهیم‌بای سلامی، وی سعی دارد با ارائه داده‌های تاریخی تصویر روشن‌تری از روابط میان جامعه و حکومت و اینکه حاکمان با تسلط بر منابع قدرت کنترل طبقات و که با اتخاذ نظام ارباب - رعیتی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. مقاله «جامعه‌شناسی تاریخی دولت و نسبت آن با مناسبات اجتماعی - تولیدی ایران در عصر خواجه نظام الملک» از محمد امیر احمدزاده: وی رفتار و کنش بازیگران اجتماعی و همچنین نوع تصور قدرت در سطح زندگی اجتماعی بر رفتار سیاسی دولت و چگونگی سازمان‌دهی حیات سیاسی تأثیرگذار و رابطه‌ی بازتابی دولت و جامعه را تبیین و تصویری واقع‌گرایانه از این رابطه در ایران دوره قاجار پرداخته است.

مقاله «رابطه دولت با مردم؛ وظایف، کارکردها و قواعد براساس رویکرد اندرزنامه‌های دوره میانه با تأکید بر سیرالملوک» نویسنده این پژوهش (نیره دلیر)، تلاش دارد مناسبات جامعه و حکومت را از منظر اندرزنامه‌های دوره میانه، خاصه «سیرالملوک» و با توجه به جایگاه نویسنده آن، تحلیل و بررسی کند. اینکه کارکردها و وظایفی که دولت در قبال مردم دارند کدامند؟ در صورت کارآیی و یا عدم کارآیی حکومت در اجرای وظایف خود، جامعه چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهد.

مقاله «جامعه‌ی قدرتمند، دولت ضعیف تبیین جامعه‌شناختی مناسبات دولت - جامعه در ایران عصر قاجار» از علیرضا سمیعی اصفهانی، وی در ابتدا به بررسی رفتار و کنش بازیگران اجتماعی و همچنین نوع تصور قدرت و تأثیرگذاری سطح زندگی اجتماعی بر رفتار سیاسی دولت، سپس به چگونگی سازمان‌دهی حیات سیاسی تأثیرگذار با تأکید بر رابطه‌ی بازتابی دولت - جامعه تبیین و تصویری واقع‌گرایانه از منطق این رابطه در ایران

دوره قاجار ارائه کرده است. از سوی دیگر به بررسی ماهیت جامعه سنتی و نظم سیاسی پیشامدرن و چرایی و چگونگی تغییر این نظم به نظم سیاسی مدرن اشاره کرده است.

فصل دوّم: بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در عهد قاجار

۲- ۱. مقدمه

ایران عصر قاجار کشور پهناوری بود که از شمال به گرجستان، دریای خزر و ترکمنستان و از جنوب به دریای خلیج فارس و دریای عمان از مشرق به محدوده هندوستان و از غرب و شمال غرب به ارمنستان و عثمانی محدود می شد (گاسپار، ۱۳۸۹: ۱۴). قاجارها طی یک رشته حملات که ترک ها در قرن چهاردهم میلادی (هفتم هجری) صورت دادند و از آسیای مرکزی به خاورمیانه نقل مکان کردند (تکمیل همایون، ۱۳۹۴: ۱۳). بعدها سلاطین صفویه بخشی از ایل قاجار را حفاظت از مرزها گرجستان و بخشی دیگر را به مرزهای شرقی برای دفاع از حمله ترکمانان فرستادند. این امر پیش زمینه ای بود در سال ۱۷۸۰ م آغامحمدخان با متحد کردن قبایل ایل قاجار بر شهرهای منطقه خزر تسلط یابد. قاجارها در اواخر دوره زندیه مهم ترین قدرت ایلداتی بودند که در میان دیگر ایلات برای کسب قدرت سیاسی توانایی داشته اند. آن ها با مرگ کریم خان زند و افول قدرت سیاسی حکومتگران زند و کاهش همبستگی سیاسی آن ها با دیوان سالاری به رهبری حاجی ابراهیم خان کلانتر میدان را برای گسترش حوزه نفوذ و اقتدار خود مهیا یافتند (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۳). آقا محمدخان سرانجام در سال ۱۲۰۷ ه. ق (۱۷۹۲ م) به کشمکش های داخلی پایان داد. او تهران را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. وی در وهله اول شیوه حکمرانی ایرانی یعنی شاهنشاهی را به کار گرفت. بدین ترتیب، نظام ایلی از روی اسب، جای خود را به فرمانروایی سلطانی داد که امپراتوری خود را از درباری که عمدتاً شامل مستوفیان پارسی زبان بوده اند، اداره می کرد. تشکیلات و سازمان های حکومتی قاجاریه برگرفته از سنن دیوان سالاران ایران باستان بود که از طریق اقوام بادیه نشین که میراث دار ساسانیان شدند و پس از آن حکومت به حکومت به این دوره انتقال یافته بود؛ اما سال های آغازین سده نوزدهم میلادی به دنبال توسعه مناسبات خارجی دولت ایران به دولت های اروپائی، اندیشمندان سیاسی واقع بین ایرانی فرصت و امکان آن را یافتند که با دیگر نظام های سیاسی آشنا شوند و به مقایسه و ارزیابی آن ها با نظام سیاسی حاکم بر ایران این دوره، پردازند. در همین ارتباط سازمان ها و تشکیلات از عهد ناصری و آشنایی ایرانیان با الگوهای تشکیلات غربی، ناگزیر دچار تغییراتی با شدت بیشتری شد. درواقع مسئله آغاز روندی بود که نه تنها سراسر دوران حاکمیت قاجارها؛ بلکه پس از آن را نیز در برمی گیرد.

در هر حال پیرو تحلیل و بررسی ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی در ایران دوره قاجاریه، مناسبات جامعه و حکومت به خوبی مورد تحلیل و بررسی قرار نمی گیرد، مگر اینکه در ابتدا شناختی به صورت مختصر از ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره دست یابیم. در همین ارتباط در این فصل در نظر داریم که ساختار قدرت در دوره

قاجار را همراه با تأثیرات مواجهه با غرب بررسی کنیم. در ابتدا به ساختار قدرت پیش از اصلاحات و پس از آن به تغییرات ساختاری متأثر از غرب اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

۲-۲. ساختار حکومت قاجاریه به لحاظ سیاسی

پیش از شکل‌گیری ارتباطات جهانی ساخت غالب حکومت‌های مستقر در ایران همان ساخت دوره‌های پیشین است. در همین راستا «سرپرسی سایکس» که تقریباً آشنایی نسبی با تاریخ ایران داشته است معتقد است که اداره کشور در این دوره در حقیقت مشابه همان ساخت دوره داریوش هخامنشی است (سایکس، ۱۳۷۷: ۵۵۰). ساختار قدرت در اوایل روی کار آمدن قاجاریه، مصداق عنوانی است که ماکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه از آن بانام «پاتریمونیال»^۱ یاد می‌کند؛ چرا که در ساختار پاتریمونیال، قدرت موروثی و در اختیار و انحصار خاندانی خاص قرار دارد. اجزاء سیاسی، نظامی و اداری چنین نظامی، جزئی از اموال شاه به شمار می‌آیند؛ بنابراین تمام تصمیم‌گیری‌ها تنها به شخص شاه ختم می‌شود. در این ساختار نه مشارکت جمعی در قدرت معنا پیدا می‌کند و نه حدی برای دامنه قدرت و اعمال آن مشخص شده است. فرمانروای پاتریمونیال افراد دستگاه اجرایی را از بین بستگان نسبی خود، محارم مورد اعتماد و دست‌نشانده‌گان و از بین کارمندان آزاد که احترام به حاکم را مدنظر داشته باشند، انتخاب می‌کند. ساختار مذکور در این دوره بافت‌وخیزهای زیادی در گذر سده‌های متوالی به‌مرور رو به انحطاط بوده است؛ به‌طوری‌که در دوران قاجار نه تنها کارایی و کارآمدی خود را از دست داد؛ بلکه در برابر بیگانگان به زبونی و درماندگی دچار شدند.

۲-۲-۱. شاه

در ساختار سیاسی ایران شالوده ترکیب قدرت سیاسی را شاه و عناصر اصلی اعم از رؤسای ایلات قاجار، شاهزادگان، دیوان‌سالاران حکام ایلات و خان‌هایی که در مناطق تحت سیطره خود مناصب دولتی را در اختیار و انحصار داشتند، شکل می‌گرفت. در همین ارتباط، برخی پژوهشگران ساختار قدرت در دوره قاجار را به‌مثابه ی یک منظومه در نظر گرفته‌اند که در مرکز این منظومه فردی تحت عنوان شاه وجود دارد که بقیه مناصب به تناسب نزدیکی به مرکز از جایگاه و قدرت بالاتری برخوردارند. از طرفی دیگر مابین عناصر این منظومه، طبقات اجتماعی قرار دارند (اکبری، ۱۳۷۱: ۸۱)؛ اما اگر دارالخلافه را به‌مثابه‌ی همان منظومه تلقی کنیم، شاه در مرکز آن قرار دارد و آن را با الفاظی همچون، «شاه‌شاهان»، «سلطان سلاطین»، «قبله عالم»، «دادگستر مردم»، «نگهبان گله‌ها»، «حامی بیچارگان»، «فاتح سرزمین‌ها»، «ظل‌الله» و غیره قلمداد می‌کرده‌اند. در حقیقت این الفاظ

^۱ : patrimonial

مشروعیت شاه محسوب می‌شده‌اند که در صورت از دست رفتن این الفاظ، جایگاه آن نیز به خطر می‌افتاد. فقط اجرای اصول شریعت و دفاع از اسلام استوار نبود، در حقیقت منبع مشروعیت شاه، اعتقاد دیرینه ایرانیان به فره ایزدی این حق را به حاکم می‌دهد تا بتواند وارث تاج و تخت شود و با اراده الهی حکمرانی کند؛ چرا که با القابی همچون «سایه خدا» در میان جامعه ایرانی جاافتاده بود و براین باورند که مشروعیت شاه برگرفته از «موهبت الهی» است (مارتین، ۱۳۹۰: ۲۴)؛ و افزون براین خود را از تبار شاهان باستان می‌دانستند؛ و از این طریق مشروعیت کسب می‌کردند. البته اساس حکومت قاجارها نه بر رضایت مردم، بلکه قدرتی بود که اجدادش آن را از دیگران بازور به چنگ آورده بودند و به واسطه مشروعیت طلبی‌های مختلف به آن صورت دیگری می‌داد. قدرت سرکوبگری و توجیهی که شاه زیر نقاب مشروعیت برای سیاست‌هایش می‌آورد، به این معنی بود که او جواب‌گوی هیچ شرطی نبود و می‌توانست مستبدانه عمل کند. قدرت شاه او را قادر می‌ساخت بخش بزرگی از یک سرزمین در اختیار داشته باشد، حتی اگر به زحمت حکمرانی کند. به گفته منتسکیو: «در حکومت استبدادی در ایران قدرت شاه نامحدود است و هرگاه شاه اراده کند، باید فوراً خواست او عملی شود و فرمان او غیرقابل تغییر است.» (منتسکیو: ۱۳۴۹، ۳۹).

سیاحان اروپایی که در این دوره از نزدیک ساختار قدرت را مشاهده کرده‌اند؛ این‌طور روایت کرده‌اند که قدرت شاه مصداق همان ضرب‌المثل «قانون مادها و پارس‌ها تغییرناپذیر است» می‌باشد که شاهنشاه در رأس کلیه نیروهای اجتماعی قرار داشته و از اختیارات مطلقه برخوردار بوده است. اراده شاه به منزله قانون می‌شود و مردم ایران اتباع شاه محسوب می‌شدند و شاه با آنان به هر وضعی که می‌خواست رفتار می‌کرد و چون تمامی قدرت در دست شاه است، بنابراین هرگونه پیشرفت یا عدم پیشرفت دولت و ملت وابسته به خواست او است. در حقیقت شاه مطلق‌العنان و بر اساس عرف و احکام دینی، سلطنت می‌کند (دروویل، ۱۳۸۸: ۲۰۵؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۲۵۴؛ واتسن، ۲۵۳۵: ۱۹ - ۱۵). با توجه روایت‌های سایکس، وی به سه وظیفه حکمرانی شاه اشاره می‌کند: تقنینی، اجرائی و قضایی و براین باور است که پادشاه محوری است که تمام ماشین زندگی عموم مردم روی آن گردش می‌کند (سایکس، ۱۳۴۳، ج ۲: ۵۴۹-۵۴۷). در این دوره اقتدار حکومت جابرانه محسوب می‌شود؛ قدرت دولت در تمام سطوح زندگی مردم سیطره داشته است (زاهد، ۱۳۸۱: ۹۷).

۲-۲-۲. شاهزادگان

به‌طور کلی قشرهای مسلط در این دوره، شامل خانواده سلطنتی، رؤسای ایلات، حکام ایلات و فرماندهان نظامی، دیوان‌سالاران و روحانیون بوده‌اند. این گروه‌ها بیشتر از طریق منافع مشترک و ازدواج‌های درونی همواره به

یکدیگر متصل بوده‌اند. این طبقه به حقیقت نه تنها مالیاتی پرداخت نمی‌کردند، بلکه اغلب موجب و کمک‌های دولتی نیز دریافت می‌کرده‌اند. شاهزادگان در این دوره یکی از گروه‌های مهم و تأثیرگذار در ساخت قدرت بوده‌اند. ولیعهد جانشین مشخص شاه در رأس شاهزادگان بود که بر اساس رسوم قاجار از کودکی انتخاب می‌شد. از دوره فتحعلیشاه به بعد در آذربایجان مستقر بوده است و دربار کوچکی مانند تهران به وجود آورد. از هزاران شاهزاده قاجاری که اکثریت آن‌ها ماحصل حرم‌سرای فتحعلیشاه بودند. درواقع از معضلات خاص نظام قاجار وجود شاهزادگان بی‌شمار دوران حکمرانی فتحعلیشاه بود که تا پایان حکومت قاجاریه وجود داشته است (ربانی زاده و لطفی، ۱۳۹۴: ۶۲). غالباً در اوایل از واگذاری ایالات به شاهزادگانی که به اصطلاح جزء اهل قلم بودند خودداری می‌کردند، به تدریج در دوره ناصرالدین شاه از ۳۲۵ منصب حکومتی (والی و حاکم) ۱۸۲ منصب مربوط به حکومت ایالات بود تحت سیطره شاهزادگان بوده‌اند. در پی افزایش تعداد شاهزادگان در دوره قاجاریه، تقسیم‌بندی خاصی در این طبقه پدید آمد، نخست آن‌هایی که فرزند شاه بودند و دیگر کسانی که از دیگر فرزندان شاه بودند و از طرف مادر منتسب به قاجارها نبوده‌اند. هر ایالت توسط حکمرانان اداره می‌شد که از شاهزادگان درجه یک به شمار می‌آمدند و شامل سی صد نفر ابواب جمعی بود. گروه دوم شاهزادگان بیشتر متکی بر مستمری‌های دریافتی از دیوان‌سالاری بودند و این‌ها نقش چندانی در ساختار قدرت نداشته‌اند. نفوذ شاهزادگان بسته به ماهیت او با شاه، سمت پدرش، پیشینه خانوادگی مادرش و درنهایت دستاوردهای شخص خودش است. قدرت شاهزادگان گهگاه به شکلی بود که پس از شاه قرار می‌گرفت نمونه آن، ظل السلطان در دوره ناصرالدین شاه و کامران میرزا در دوره مظفرالدین شاه بودند. البته بوده‌اند شاهزادگانی نیز کارهای فرودستانه‌ای چون کارمندی تلگراف‌خانه، منشی‌گری و کارهای دیگر نیز انجام می‌داده‌اند (اشرف، بنو عزیزی، ۱۳۷۸: ۴۷). در این ارتباط «گوینو» یکی از سیاحان اروپائی که در این دوره از نزدیک با ساختار حکومت قاجار آشنا شده است بیان کرده است که شرط ورود به خدمات دولتی طی تحصیلات مخصوص نبوده، بلکه هر کس سواد داشته است می‌توانسته وارد خدمات دولتی بشود (گوینو: ۱۳۸۳، ۳۵۹).

به‌طور کلی حکام این دوره برای تأمین هزینه‌های زیاد شاهزادگان، املاک و خالصه حکومتی را به آن‌ها می‌بخشیده‌اند و این امر خود زمینه‌ساز شکل‌گیری گروهی از زمین‌داران بزرگ حکومتی بوده است. در هر صورت در این دوره موقعیت‌های شغلی بر اساس شایستگی نبوده است؛ بلکه با پرداخت مبلغی به بالادست آن را به دست بیاورند. در طبقه‌بندی ساختار حکومت قاجار مردم در آخر جای می‌گرفتند که باید برای تأمین خود باید مالیات پرداخت می‌کردند (زاهد، ۱۳۸۱: ۱۰۰ - ۱۰۱).